

وضعیت معاملات شخص مست در مراتب مختلف مستی؛ ساماندهی نظریه عدم نفوذ برخی معاملات شخص

مست

دکتر امیرعباس عسکری

دانش آموخته دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

(نویسنده مسئول) علی یاری نژاد

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

Aliyari1375211@yahoo.com

چکیده

یکی از شرایط اساسی صحت قراردادها «قصد» طرفین و «رضای» آنها است. فقدان قصد منجر به بطلان قرارداد و فقدان رضا منجر به عدم نفوذ آن می‌شود. ماده ۱۹۵ قانون مدنی معامله در حال مستی را به علت فقدان قصد باطل می‌داند. با توجه به مفهوم مخالف ماده، معاملات شخص مست یا به علت فقدان قصد باطل شناخته شده و یا به علت عدم زوال قصد صحیح تلقی گردیده است. مشهور فقها و حقوق دانان نیز همین دیدگاه را در خصوص معاملات شخص مست دارند. این در حالی است که از نظر پزشکی مستی دارای مراتبی است که صحت و بطلان نمی‌تواند معاملات واقع شده در همه مراتب را پوشش دهد. گاهی مستی باعث زوال قصد و رضای فرد می‌شود، گاهی مستی به هیچ یک از قصد و رضا خلل وارد نمی‌کند و گاهی شخص مست دارای قصد است اما رضای وی مخدوش است. در خصوص فقره اخیر سؤال قابل طرح این است که وضعیت معامله شخص مست چگونه است؟ از طرفی شخص دارای قصد است و معامله وی را نمی‌توان باطل دانست و از طرف دیگر رضای وی مخدوش است و از این جهت نمی‌توان حکم به صحت معامله وی کرد. در این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است و ضمن بررسی انواع مستی و تأثیر آن در قصد و رضا، با بهره‌گیری از مبانی فقهی و حقوق تطبیقی این نتیجه به دست آمد که وضعیت حقوقی مطلوب برای معاملات شخص مست در مراتبی که شخص دارای قصد است اما رضای وی مخدوش شده، عدم نفوذ است.

واژگان کلیدی: عدم نفوذ، اراده، معامله، قصد، رضا.

مقدمه

رکن سازنده قراردادها قصد و رضا است. این دو اگرچه در قانون در کنار هم ذکر شده اند اما متفاوت از هم هستند؛ آنچنان که ماده ۱۹۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد عقد محقق می‌شود به قصد انشاء. لذا با قصد است که عقد شکل می‌گیرد اما برای نفوذ کامل خود نیازمند عنصر رضا نیز می‌باشد. از حیث جایگاه قصد و رضا، سیر پیدایش یک قرارداد به این شکل است که ابتدا اشیا در ذهن فرد نقش می‌بندند که این امر را خطور (تصور) می‌نامند. به عبارت ساده تر موضوع مورد معامله در ذهن فرد تصور می‌شود^۱ و بعد از آن فرد راجع به آن ارزیابی‌های لازم را انجام می‌دهد که این مرحله سنجش نامیده می‌شود. بعد از این مرحله است که فرد راضی به انجام معامله می‌شود که از آن به تصمیم یاد می‌شود^۲. که فرد شوق به انجام عمل دارد. مرحله آخر اجرا است که فرد شوق درونی به انجام عمل را اجرایی می‌کند و اقدام به انعقاد یک قرارداد می‌کند. در این مرحله آخر است که با قصد انشاء فرد ماهیت حقوقی را ایجاد می‌کند و رضا قبل از این مرحله می‌آید یعنی رضا مربوط به مرحله تصمیم و قصد مربوط به مرحله اجرا است.^۳

فقدان قصد منجر به بطلان قرارداد و فقدان رضا منجر به عدم نفوذ آن می‌شود. ماده ۱۹۵ قانون مدنی معامله در حال مستی را به علت فقدان قصد باطل می‌داند. با توجه به مفهوم مخالف ماده، ممکن است اینطور استنباط شود که از دید قانونگذار معاملات شخص مست یا به علت فقدان قصد باطل است و یا به علت عدم زوال قصد صحیح خواهد بود. مشهور فقها و حقوق دانان نیز همین دیدگاه را برگزیده‌اند. این در حالی است که از نظر پزشکی مستی دارای مراتبی است که توجه به حالات روانی شخص مست در هر یک از مراتب نشان می‌دهد که دو وضعیت صحت و بطلان نمی‌تواند معاملات واقع شده در همه مراتب را در بر بگیرد. گاهی مستی باعث زوال قصد و رضای فرد می‌شود، گاهی مستی به هیچ یک از قصد و رضا خللی وارد نمی‌کند و گاهی هم شخص مست دارای قصد است اما رضای وی در اثر عدم توانایی تشخیص دقیق مصلحت خود مخدوش است. در حقوق ایران، در فرض نخست که شخص فاقد قصد است معامله وی باطل است. از حیث کیفری نیز چون چنین شخصی زوال عقل یافته و مسلوب‌الاراده^۴ است مجرم قلمداد نمی‌شود. در حقوق انگلستان هم چنین است و قراردادهای منعقد شده از طرف کسی که کاملاً مست باشد باطل است. یعنی کسی که چنان مست است که از عقل محروم می‌شود، تا حدی که او را از درک معنا و ماهیت ناتوان می‌کند و اثر کاری که انجام می‌دهد نمی‌فهمد. همچنین است کسی که با تدبیر دیگری را به مشروب الکلی سوق داده یا از وی سوء استفاده ناعادلانه کرده تا شرایط را برای به دست آوردن یک معامله غیر منطقی فراهم سازد^۵؛ زیرا رضایت شخصی که خیلی مست است رضایت واقعی قلمداد نمی‌شود.^۶ در فرض دوم میزان مستی به قدری است که شخص هم قصد انعقاد قرارداد را دارد و هم تصمیم مذکور را با

^۱ قنوتی، «رابطه قصد و رضا در اعمال حقوقی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)»، ۳۲

^۲ علی‌آبادی، «قصد و رضا و تاثیر آن دو در تحقق عقد»، ۱۵۳

^۳ شهیدی، حقوق مدنی ۳ تعهدات، ۳۲

4. Automatism.

⁵ Dickson, The Medico-Legal Aspects of Drunkenness, ۸۱

⁶ Wallerstein, A Critical Analysis of the Law on a Drunken, ۴۴

رضایت کامل اتخاذ کرده است و بدیهی است که قرارداد در این حال صحیح خواهد بود اما در خصوص فرض سوم، این سؤال - که سؤال اصلی این مقاله است - قابل طرح است که وضعیت معامله شخص مستی که دارای قصد است اما درجه مستی وی به اندازه‌ای است که رضای وی مخدوش است، چگونه خواهد بود؟ از طرفی شخص دارای قصد است و معامله وی را نمی‌توان باطل دانست و از طرف دیگر رضای وی مخدوش است و از این جهت نمی‌توان حکم به صحت کامل قرارداد وی کرد. این موضوع در برخی ابواب فقه امامیه مورد اشاره قرار گرفته است اما مشهور فقط به دو فرض مسلوب‌الاراده بودن یا نبودن مست پرداخته‌اند و توجهی به فرض سوم نکرده‌اند. در بین حقوقدانان نیز مشابه همین نگرش دیده می‌شود. در تحقیقات جدید حقوقی نیز سابقه‌ای از بررسی این موضوع یافت نشد و انجام پژوهشی مستقل در این خصوص ضروری به نظر می‌رسد.

در پاسخ به سؤال اصلی این مقاله فرضیه این است که وضعیت حقوقی مطلوب و قابل انطباق با وضعیت روانی شخص مست در فرض وجود قصد و فقدان رضا، وضعیت عدم نفوذ است. در کتب حقوقی و مقالات علمی به صورت تفصیلی و متمرکز از این دیدگاه به معنای تفصیل و تفکیک بین مراتب مستی و ناهشیاری ناشی از ماده توهم زا و سکرآور سخنی به میان نیامده است صرفاً برخی فقها در کتب خود به روایت ابن بزيع برخورد کرده‌اند و اشاره‌ای به آن داشته‌اند و همانطور که خواهد آمد برخی فقها این روایت را طرح و کنار گذاشته‌اند لذا می‌توان گفت این مقاله برای اولین بار به صورت تفصیلی به بررسی و تتبع در این مورد می‌پردازد.

جهت پاسخ به پرسش مطروحه و سنجش فرضیه خود ابتدا مفهوم مستی را مشخص کرده و از مراتب آن سخن خواهیم گفت. در بخش بعد به بررسی وضعیت معاملات شخص مست خواهیم پرداخت. در بخش اخیر، ابتدا دیدگاه مشهور در خصوص معاملات شخص مست مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت و سپس سعی در ساماندهی نظریه خود مبنی بر غیرنافذ بودن معاملات شخص مست در فرض وجود قصد و فقدان رضا خواهیم پرداخت.

۱. مستی و مراتب آن

در این بخش ابتدا مفهوم مستی مشخص خواهد شد و سپس به تشریح مراتب مختلف مستی و بررسی وضعیت قصد و رضا در هر مرتبه خواهیم پرداخت.

۱-۱. مفهوم مستی

مست در لغتنامه دهخدا از جمله به «مقابل هوشیار» و «دگرگون شده از آشامیدن می و غیره» معنی شده است. در فرهنگ معین از آن به «خارج شده از حالت طبیعی به علت خوردن شراب» و «بی‌هوش، مدهوش» تعبیر شده است. مستی معادل واژه intoxication یا drunkenness می‌باشد و بیانگر وضعیت و حالتی است که انسان بر اثر استفاده از شراب یا الکل و یا مایعات مست‌کننده مثل شراب انگور، آب جو و مواد دیگر به صورت سنتی یا صنعتی و یا دیگر مواد مخدر بیخودکننده مثل حشیش، کراک، شیشه و ... حالت عادی انسان معمولی را ندارد و دارای بی‌خبری و غفلت و ناهوشیاری

خاصی می باشد.^۷ این وضعیت و حالت در مرتبه اعلاهی خود مانند جنون و دیوانگی است؛ از این جهت که در هر دو حالت از فرد سلب اراده شده است.

فقها و حقوق دانان درجه اعلاهی مستی و نظایر آن را در حکم جنون قلمداد می کنند. به عقیده ایشان هر اعتیاد یا بیماری و عارضه ای که خود آگاهی و شعور را از بین ببرد از حیث اختلال در اراده در حکم جنون به حساب می آید. بنابراین مستی و بی هوشی و کهولت و دهشت و اعتیاد شدید به مواد مخدر، سكرات و هیستری ها در موردی که باعث زوال عقل و اراده می شود همان اثر جنون را در بطلان قرارداد خواهد داشت.^۸

۱-۲. مراتب مستی و وضعیت قصد و رضا در هر مرتبه

هوشیاری و آگاهی انسان در اثر موارد عارضی ممکن است کم و زیاد شود. شرب مسکر می تواند با ایجاد اختلال در فرد شارب میزان آگاهی وی را نسبت به افعال یا شرایط پیرامونی خود کاهش دهد یا زائل سازد.^۹ در مرتبه شدید آن شخص اصطلاحاً مسلوب الاراده (فقدان قصد و رضا) می باشد و هیچ قصد و اراده ای را به وی نمی توان منتسب کرد. در مرتبه خفیف آن شخص دارای قصد و رضا است و در مراتب میانی شخص قصد دارد اما رضای وی مخدوش است. با این توضیح، در ادامه به بررسی مراتب مستی و تأثیر آن در قصد و رضا خواهیم پرداخت:

مرتبه نخست: سرخوشی

مرتبه نخست مستی که خفیف ترین درجه آن است مرتبه «سرخوشی»^{۱۰} می باشد. شخص در این مرحله اولیه دارای احساس خوب است، ممکن است احساس آرامش، پرحرفی و اعتماد به نفس بیشتری داشته باشد. بسته به متابولیسم الکل و عواملی مانند سن، مقدار غذای مصرفی، اندازه و وزن بدن و سایر داروهای مصرفی، ممکن است شخص مست سرخوشی را تجربه کند و حتی کمی بیحال شود.^{۱۱} برخی از این مرحله به «شادی و سرحالی» تعبیر کرده اند.^{۱۲} به نظر می رسد در این مرحله شخص همچنان دارای قصد و رضا است. شخص نسبت به اقدامات خود عالم است و مصرف مسکر در حدی نبوده است که فرد مطلوبیت و عدم مطلوبیت افعال و اعمال خود را درک نکند. در واقع در این مرتبه، شخص می داند دارد چه کاری انجام می دهد و با وجود آنکه مواد مورد نظر را مصرف کرده اما باعث نشده قدرت تشخیص خود را از دست بدهد و می تواند موارد مختلف و پیشامدهای گوناگون را ارزیابی کند و در مورد آن تصمیم گیری عاقلانه انجام دهد. برخی فقها در بیان احکام شخص مست از این مرحله به «نشو» تعبیر میکنند و بر این عقیده اند که حالتی از مستی وجود دارد که مجازاً به

^۷ قایدامینی اسدآبادی، «بررسی تطبیقی اثر جنون، صغر و مستی بر قرارداد در حقوق ایران و انگلیس»، ۸۹

^۸ شوشتری، مقیاس الانوار، ۲۲؛ کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ۴۶/۲

^۹ فتحی، مرتضی، ساریخانی، عادل، رضایی، رضا، «تأثیر مستی بر مسئولیت کیفری در حقوق کیفری ایران، اسکاتلند و فقه اسلامی»، ۸۹

10. Euphoria.

¹¹ Robb-Dover, The Four Levels of Being Drun

¹² فتحی، ساریخانی، رضایی، «تأثیر مستی بر مسئولیت کیفری در حقوق کیفری ایران، اسکاتلند و فقه اسلامی»، 90

آن مستی اطلاق می شود و صرفاً فرد شرب مسکر کرده است ولی وی قصد و اراده دارد^{۱۳}. در این مرحله هنوز عقل شخص از بین نرفته است ولی پا بر جا و مستقر هم نیست بلکه در آستانه از بین رفتن است.^{۱۴}

مرتبۀ دوم: هیجان

مرتبۀ بعدی مستی مرتبۀ «هیجان»^{۱۵} می باشد. در این مرحله شخص از آستانه کنترل توانایی های ذهنی و عاطفی خود عبور کرده است. ممکن است به شدت با هیجان، عصبانیت یا غم واکنش نشان دهند و در به خاطر آوردن چیزها مشکل داشته باشد. در همین حال، شخص مست هماهنگی و تعادل خود را از دست میدهد و ممکن است که با تاری دید مواجه بشود و هم چنین قدرت تشخیص وی مختل شود.^{۱۶} برخی این مرحله را «سستی در جسم» دانسته اند.^{۱۷} در این مرحله شخص همچنان دارای قصد است اما در اثر هیجان زیاد، احساسات غیرواقعی غم یا شادی مفرط و ... رضای وی به اعمال خود محل تأمل و مخدوش به نظر می رسد. به بیان دیگر، در این حالت شخص دچار مستی است اما همچنان تا حدودی مسائل را تشخیص میدهد، اراده دارد اما اراده وی مخدوش است.

مرتبۀ سوم: گیجی و عدم توانایی در هماهنگی حرکات

مرتبۀ بعدی مستی مرتبۀ «گیجی و عدم توانایی در هماهنگی حرکات»^{۱۸} می باشد. هنگامی که شخص به این مرحله پیشرفته مستی می رسد، به این معنی است که مقدار الکلی که مصرف کرده است، بسیار زیاد بوده و چه بسا فرد در این وضعیت به اصطلاح عرفی حالت تلوتلوخوران دارد و اعمال خود را تحت کنترل ندارد.^{۱۹} در این مرحله شخص ممکن است به حدی مست باشد که فکر عقلانی او مختل شود بدون اینکه لزوماً خود را نشان دهد. به عبارت دیگر، اعمال پنهان او ممکن است غیرطبیعی باشد در حالی که اعمال آشکار او طبیعی هستند. به نظر می رسد در این مرحله شخص فاقد قصد و رضا است. در این مرحله و مراحل بعدی که به آن اشاره خواهد شد، اختلال در اراده شخص به صورت کامل است. شخص دچار هذیان و عدم تعادل می باشد و کنترل افعال خود را ندارد. به عبارت بهتر شخص دچار زوال اراده شده، اراده ای از خود ندارد و مسلوب الاراده است. برخی فقها به این مرحله و پس از آن مرحله «هذیان» می گویند که گویی فرد همان مست لایعقل است و چیزی از افعال خود را کنترل نمی کند^{۲۰}. (شبییری زنجانی، ۱۰/۱۴۱۹ق: ۴۶۷).

مرتبۀ چهارم: بلاهت و کند ذهنی

^{۱۳} مجلسی، «روضۀ المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه»، ۲۳۰/۸

^{۱۴} همان

15. Excitement.

¹⁶ Robb-Dover, The Four Levels of Being Drun

¹⁷ فتحی، ساریخانی، رضایی، «تأثیر مستی بر مسئولیت کیفری در حقوق کیفری ایران، اسکاتلند و فقه اسلامی»، ۸۹

18. Confusion and Loss of Coordination.

¹⁹ Robb-Dover, The Four Levels of Being Drun

^{۲۰} شبییری، کتاب النکاح، ۴۶۷/۱۰

مرتبه بعدی مستی مرتبه «بلاهت و کند ذهنی»^{۲۱} می باشد. در این مرحله شخص حالتی در مرز هوشیاری و ناهوشیاری همراه با عدم فعالیت روانی آشکار و کاهش توانایی در پاسخ دادن به تحریک دارد.^{۲۲} در این مرحله و مراتب بعدی مستی که منجر به کما و مرگ می شود شخص فاقد قصد و رضا است.

مشابه مراتب فوق الذکر در حقوق برخی کشورها نیز دیده می شود. در انگلستان هرچند قانون مراتبی برای مستی بیان نکرده است اما مقامات عالی قضایی این کشور قائل به درجه بندی و تفکیک مراتب مستی هستند و برای شخص مست مراتبی چون شاد^{۲۳}، احساساتی و ضعیف^{۲۴}، مست مست^{۲۵}، بد مست^{۲۶} و مست بیهوش، قائل شده اند.^{۲۷}

۲. وضعیت معاملات شخص مست

در این بخش ابتدا دیدگاه مشهور در خصوص وضعیت معاملات شخص مست مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت و سپس به ساماندهی نظریه عدم نفوذ معاملات شخص مست در فرض وجود قصد و فقدان رضا خواهیم پرداخت.

۱-۲. دیدگاه مشهور در خصوص معاملات شخص مست و نقد و بررسی آن

مشهور فقها و حقوقدانان معاملات شخص مست را در دو دسته باطل و صحیح قرار داده اند. به عقیده ایشان در صورتی که مستی موجب سلب اراده شود معامله باطل است و در غیر این صورت معامله صحیح خواهد بود. محقق حلی در بیان شرایط متعاقدين عقد بیع چنین گفته است: «فلا یصح بیع ... المجنون و المغمی علیه و السكران غیر الممیز و المکره و لو رضی کل منهم بما فعل بعد زوال عذره عدا المکره للوثوق بعبارة»^{۲۸} ایشان صرفاً معاملات مست غیر ممیز را باطل دانسته از کلام وی بر می آید که اگر سکران ممیز بود، بیع او نافذ است. منظور از ممیز بودن داشتن قوه تمیز یا همان عقل است. کسی که عاقل است ممیز هم هست و بالعکس^{۲۹}. بنابراین، طبق نظر محقق حلی صرفاً اگر مستی موجب زوال عقل شود و شخص قدرت تمیز خود را از دست بدهد معامله باطل است. شهید ثانی نیز در شرح خود بر شرایط تعرضی به دیدگاه وی در این خصوص نکرده و همان دیدگاه را پذیرفته است (عاملی، ۱۳/۳: ۱۴۱۳ق: ۱۵۵). علامه حلی نیز در تحریر همین دیدگاه را دارد: «لا ینعقد بیع المغمی علیه و لا شراؤه و لا السكران غیر الممیز»^{۳۰}. محقق کرکی فعل سکران را صحیح نمی داند

21. Stupor.

22. همان

23. Happy.

24. Maudlin.

25. Fighting_drunk.

26. Blind_drunk.

27 Nicholls, A Dissertation on Drunkenness, ۱۸

^{۲۸} حلی، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، ۸/۲

^{۲۹} شهیدی، حقوق مدنی؛ تشکیل قراردادها و تعهدات، ۲۴۲ و ۲۴۵

^{۳۰} حلی، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، ۲۷۶/۲

حتی در خصوص نکاح بعد از دخول و اجازه لاحق.^{۳۱} برخی دیگر صحیح ندانستن وصیت سکران را مربوط به موردی میدانند که قصد به کلی زائل شده است: «إنه مقید بما إذا بلغ حدّ زوال العقل و سلب الإدراك و الشعور؛ نظراً إلى إلحاقه حينئذٍ إلى المجنون، و إلا فلا دليل على بطلان وصيته؛ لانحصار دليل البطلان في إلحاقه بالمجنون.»^{۳۲} همچنین فقهای دیگری چون ابن ادریس در سرائر^{۳۳}، شهید اول در لمعه^{۳۴}، شیخ مفلاح صمیری در غایة المرام^{۳۵}، شهید ثانی در روضه^{۳۶}، فاضل اصفهانی در کشف اللثام^{۳۷} نیز حکم به عدم صحت معاملات شخص مست داده اند که به نظر می‌رسد دلیل حکم آنان این است که حد وسط و درجاتی را برای مراتب مستی و ناهشیاری متصور نبوده اند. حقوقدانان نیز مستند به ماده ۱۹۵ قانون مدنی که معامله در حال مستی را به علت فقدان قصد باطل می‌داند، مستی را در صورتی که باعث زوال عقل و اراده شود در حکم جنون دانسته و معامله در آن حال را باطل می‌دانند.^{۳۸} ایشان به مراتب دیگر مستی اشاره‌ای نداشته و از کلامشان چنین بر می‌آید که سایر معاملات شخص مست را صحیح می‌دانند.^{۳۹}

دیدگاه مذکور از این حیث که مراتب مختلف مستی را در نظر نگرفته قابل نقد است. مستی و درجات آن یک موضوع شرعی یا قانونی نیست و جهت شناخت آن باید به متخصصان امر یعنی پزشکان و روان‌شناسان رجوع کرد. آنگاه پس از شناسایی دقیق موضوع، باید اقدام به تطبیق آن با قواعد حقوقی و تعیین حکم نمود. در نظام حقوقی ایران مبتنی بر فقه امامیه، برخلاف نظام حقوقی برخی کشورها چون فرانسه بین قصد و رضا از حیث ماهیت، آثار و احکام تفاوت و تفکیک وجود دارد.^{۴۰} یکی از تفاوت‌های مهم این دو این است که فقدان قصد منجر به بطلان قرارداد می‌شود و فقدان رضا صرفاً موجب اختلال در قرارداد و عدم نفوذ آن می‌شود و شخصی که رضایت وی مخدوش بوده می‌تواند بعداً قرارداد را تنفیذ نماید. بر این مبنا، این که مشهور فقها و حقوقدانان جز در فرض زوال عقل، کلیه معاملات شخص مست را صحیح می‌دانند محل نقد است. در یکی از مراتب مستی که پیش از این مورد اشاره قرار گرفت (مرتبۀ هیجان) شخص مست هر چند دارای قصد است و عقل وی زائل نشده اما به علت شرایط خاص روانی که بر او حاکم است رضایت وی نسبت به قرارداد مخدوش است. در این فرض، حمایت از شخص ملازمه با غیرنافذ دانستن اعمال حقوقی وی دارد تا پس از رفع مانع و امکان بررسی موضوع بتواند عمل پیشین خود را تنفیذ یا رد نماید. این وضعیت با وضعیت شخص مکرهی است که در اثر اکراه اقدام به

^{۳۱} عاملی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۸۴/۱۲ و ۸۵

^{۳۲} سیفی مازندرانی، دلیل تحریر الوسیلة - الوسیة، ۷۸

^{۳۳} حلی [ابن ادریس]، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۵۷۱/۲

^{۳۴} عاملی [شهید اول]، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، ۱۷۵

^{۳۵} صیمری، غایة المرام فی شرح شرائع الإسلام، ۲۴/۳

^{۳۶} عاملی [شهید ثانی]، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۱۱۲/۵

^{۳۷} اصفهانی، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، ۵۳/۷

^{۳۸} کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ۴۵ و ۴۶؛ شهیدی، حقوق مدنی؛ تشکیل قراردادها و تعهدات، ۲۴۳

^{۳۹} امامی، حقوق مدنی، ۲۱/۴

^{۴۰} شهیدی، حقوق مدنی؛ تشکیل قراردادها و تعهدات، ۱۲۷ تا ۱۳۱

انعقاد قرارداد می‌نماید و به علت مخدوش بودن رضایت وی قراردادش غیر نافذ شناخته می‌شود. این دیدگاه مورد پذیرش برخی فقهای امامیه نیز قرار گرفته است و در قسمت بعد به تبیین بیشتر مبانی آن خواهیم پرداخت.

۲-۲. ساماندهی نظریه عدم نفوذ معاملات مست در فرض وجود قصد و فقدان رضا

در حوزه حقوق معاملات اراده نقش بسیار مهمی دارد. زیر بنای قواعد عمومی تمام عقود قصد و رضا است و در هر قرارداد طرفین به الزاماتی گردن می‌نهند که ناشی از قصد و رضای آنان باشد. قراردادی که بدون قصد منعقد شده باشد منتسب به شخص نیست و همچنین نمی‌توان شخص را پایبند به قراردادی دانست که مورد رضای او نبوده است. بنابراین، عقود برای آنکه واقع شوند و آثار قانونی خود را بر جای گذارند نیازمند قصد و رضا هستند؛ به این معنا که فرد باید اراده کند و بخواهد آثار عقد مورد نظر را جاری کند تا به واسطه آن نیازهای خود در زندگی را تأمین کند؛ در حالی که این سیر روانی (خطور، سنجش، تصمیم و اجرا) در مورد شخص مست صادق نیست. شخص مست جز در مرتبه نخست مستی (سرخوشی) این سیر روانی را طی نمی‌کند و اگر هم از وی افعال یا کلماتی مبنی بر انجام معامله صادر شود به دلیل فقدان قصد یا رضا آن معامله صحیح نخواهد بود؛ زیرا صرف ادای کلمات یا انجام اعمال بدون وجود اراده باطنی ناشی از قصد و رضای سالم سازنده عقد نخواهد بود. در وضعیتی که عقل شخص مست زائل می‌شود تردیدی در بطلان قرارداد وی به علت فقدان قصد نیست اما در صورتی که وی دارای قصد باشد اما رضایتش مخدوش گردد چگونه می‌توان شخص را پایبند و ملزم به قراردادی دانست که مورد رضای وی نبوده؟ پیش از این نظر مشهور فقها و حقوقدانان در این خصوص گذشت و نقد آن نیز آمد. به نظر نگارندگان این سطور، وضعیت شخص مست در این مورد مشابه با وضعیت شخصی است که تحت اکراه اقدام به انعقاد قرارداد می‌کند و به علت مخدوش بودن رضایت او قراردادش را غیر نافذ میدانیم تا پس از رفع اکراه در خصوص سرنوشت قرارداد منعقد تصمیم‌گیری نماید. در موضوع مورد بحث نیز شخص فاقد رضا است و نمی‌توان معامله وی را کامل دانست. در عقود لازم است فرد معنا را اراده کند و فردی که مست لایعقل است معنایی را اراده نمی‌کند و صرفاً شکل واژگان را بدون معنا ادا می‌کند. در این صورت عقد باطل است و اثری ندارد زیرا شرایط ارتباطی و اجتماعی آن محقق نشده و به عبارتی معامله «يقع فاسدا» منعقد شده است و تصحیح پذیر نیست اما زمانی که معامله «يقع ناقصاً» منعقد شده باشد تمامی شرایط را دارد اما فقط متممی می‌خواهد که آن یک کمبودش را جبران کند مثل آنچه در عقد اکراهی وجود دارد که تمامی شرایط موجود است و فقط طیب نفس وجود ندارد که با رضای بعدی جبران می‌شود.^{۴۱} بنابراین، با الغای خصوصیت از وضعیت معامله اکراهی می‌توان حکم آن را در خصوص معاملات شخص مست فاقد رضا نیز جاری دانست. حتی می‌توان گفت عدم صحت قرارداد در فرض مستی در مرتبه وجود قصد و فقدان رضا بر عدم صحت قرارداد اکراهی دارای اولویت است؛ چه اینکه شخص مکره در ساختار روانی و ذهنی خود دارای هیچگونه اختلالی نیست و قرارداد

^{۴۱} جوادی آملی، درس خارج، مدرسه فقهات،

را با رضایت منعقد می‌نماید اما چون رضایت وی تحت فشار مکره بوده از او با غیرنافذ شناختن قرارداد حمایت به عمل می‌آید؛ حال آن که در فرض مورد بحث ساختار روانی و ذهنی شخص مست به گونه ای است که اساساً امکان رضایت به عمل انجام شده وجود نداشته است. برخی فقها نیز به اولویت داشتن شخص مست نسبت به شخص مکره در خصوص عدم نفوذ قرارداد نظر داده‌اند. به عقیده ایشان فرد مستی که قصدش زائل نشده اما رضایش مخدوش است اولی از مکره و سفیه است و قصد و اراده عقد را دارد اما به نوعی راضی به آن نیست حال اگر این اکراه درونی و عدم رضایت مرتفع بشود عقد صحیح خواهد بود.^{۴۲} همچنین وضعیت شخص مست در مرتبه مورد بحث با وضعیت شخص سفیه قابل مقایسه است؛ زیرا در این مرحله شخص مست است به طوری که ضرر و نفعش را تشخیص نمی‌دهد و رشد ندارد، اما هذیان هم نمی‌گوید مثل آدم سفیهی که رشد مالی ندارد با این تفاوت که عدم رشد سفیه دائمی است اما عدم رشد شخص مست موقت است، پس صحت تأهلی عقد او از فاقد رشد کلی اولی است.^{۴۳} در واقع، وضعیت شخص مست در فرضی که قصد دارد اما مصالح و مفاسد خود را درک نمی‌کند شبیه سفیه است.^{۴۴} از طرف دیگر، بسیاری از قراردادهایی که در حال مستی منعقد می‌شود در وضعیتی است که طرف قرارداد تعمداً اقدام به مست کردن طرف مقابل کرده و از شرایط او جهت انعقاد قرارداد استفاده می‌کند. این مورد دارای شباهت تام به معامله اکراهی است؛ پس چگونه است که در یک مورد قرارداد صحیح دانسته شده و در دیگری غیرنافذ؟ به نظر می‌رسد با توجه به مبانی موجود در نظام حقوقی ایران باید بین معاملات باطل و صحیح اشخاص مست وضعیت دیگری نیز در نظر گرفت و در فرضی که شخص دارای قصد است اما رضای وی مخدوش است معامله او را غیرنافذ و منوط به تأیید بعدی وی دانست. در این وضعیت ساختار و ارکان تشکیل عقد به جز رضایت شخص مست موجود است و با رضایت بعدی عقد کامل خواهد شد.

این دیدگاه از حیث مبانی فقهی نیز قابل تقویت و در حقوق تطبیقی نیز مؤیداتی می‌توان برای آن یافت. مهمترین مستند در این خصوص روایت صحیح ابن بزیر از امام کاظم (ع) است که بر امکان تأیید یا رد قرارداد شخص مست بعد از هوشیاری دلالت دارد. در این روایت چنین آمده است: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) عَنِ امْرَأَةٍ ابْتُلِيَتْ بِشُرْبِ النَّبِيذِ فَسَكَرَتْ فَزَوَّجَتْ نَفْسَهَا رَجُلًا فِي سُكْرِهَا ثُمَّ أَفَاقَتْ فَأَنْكَرَتْ ذَلِكَ ثُمَّ ظَنَّتْ أَنَّهُ يَلْزُمُهَا فَفَزَعَتْ مِنْهُ فَأَقَامَتْ مَعَ الرَّجُلِ عَلَى ذَلِكَ التَّزْوِيجِ أَمْ حَلَالٌ هُوَ لَهَا أَمْ التَّزْوِيجُ فَاسِدٌ لِمَكَانِ السُّكْرِ وَلَا سَبِيلَ لِلزَّوْجِ عَلَيْهَا؟ فَقَالَ إِذَا أَقَامَتْ مَعَهُ بَعْدَ مَا أَفَاقَتْ فَهُوَ رِضًا مِنْهَا قُلْتُ وَيَجُوزُ ذَلِكَ التَّزْوِيجُ عَلَيْهَا فَقَالَ نَعَمْ.»

«از امام کاظم (ع) در مورد زنی سؤال کردم که شرب نبید کرد و مست شد، در همان حالت مستی خودش را به تزویج مردی در آورد. بعد که مستی او از بین رفت، تزویج را انکار کرد. بعد به علت ظن به ملزم بودن به رعایت نکاح نزد آن مرد ماند. آیا آن مرد بر این زن حلال است یا اینکه بخاطر مستی زن، تزویج فاسد است و آن مرد هیچ حقی بر این زن ندارد؟ امام (ع) در جواب فرمود اگر بعد از مستی، نزد آن مرد ماند، این رضایت به زوجیت است. از امام (ع) سؤال کرد آیا آن تزویجی که

^{۴۲} نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۱۴۵/۲۹

^{۴۳} شبیری زنجانی، کتاب نکاح، ۴۶۸/۱۰

^{۴۴} انصاری، کتاب النکاح، ۸۹

بر این زن واقع شده، صحیح است؟ امام(ع) فرمود: بله.» این روایت از نظر سند، صحیح اعلائی است و تمام روایانش از عدول و امامی هستند. در تهذیب الاحکام^{۴۵}، وسائل الشیعه^{۴۶}، مستدرک الوسائل^{۴۷}، عوالی اللئالی^{۴۸} الوافی^{۴۹} و کتب دیگری نیز از این روایت خبر داده اند. شیخ طوسی در نهاییه^{۵۰}، قاضی ابن براج در مهذب^{۵۱}، فاضل مقداد در تنقیح^{۵۲}، محقق سبزواری در کفایه^{۵۳}، فیض کاشانی در مفاتیح الشرائع^{۵۴}، شیخ یوسف بحرانی در حدائق^{۵۵}، شیخ انصاری^{۵۶}، صاحب جواهر^{۵۷} و سید محمد کاظم یزدی^{۵۸} بر طبق این روایت و اعتبار آن فتوا داده اند.

روایت مذکور دلالت بر این می‌کند که زن مست اگر در حال مستی خود با کسی ازدواج نماید و پس از افاقه یافتن، به آن ازدواج رضایت داشته باشد، عقد او صحیح است. در نگاه نخست روایت مذکور بر خلاف اصل اعتبار عقل در صحت عقد است. عقد شخص مست صحیح نیست چون وی فاقد عقل و شعور است، پس چگونه است که در این روایت با رضایت بعدی عقد صحیح قلمداد شده است؟ به نظر نگارندگان روایت ناظر به مرتبه‌ای از مستی است که شخص دارای قصد است اما رضایتش مخدوش است و از آنجا که در این فرض قرارداد غیرنافذ است، شخص پس از بازگشت هوشیاری کامل می‌تواند در خصوص تنفیذ یا رد عقد تصمیم‌گیری نماید. صاحب جواهر بر خلاف برخی فقها معتقد است که نباید روایت مزبور را کنار گذاشت و روایت ناظر به سکرانی است که به حد فقد تمییز نرسیده است و اگر مستی به آن حد نرسد که تمییز خود را از دست بدهد با امضای او عقد ازدواج صحیح می‌شود.^{۵۹} به عقیده ایشان روایت مزبور مربوط به مرتبه‌ای است که هنوز تا حدودی عقل شخص باقی است و می‌تواند قصد عقد نماید چنانچه جمله «فزوجت نفسها» اشاره‌ای به این مطلب دارد یعنی آن قدر مست لایعقل نبوده که نداند چه کاری انجام می‌دهد (همان). به عقیده علامه حلی در کتاب مختلف مراد از مستی که در این روایت به آن اشاره شده است آن حد از مستی که موجب زوال عقل شده باشد و به مرحله

^{۴۵} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۹۲/۷

^{۴۶} حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۲۹۴/۲۰

^{۴۷} نوری [محدث]، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۳۲۲/۱۴

^{۴۸} احسائی، عوالی اللئالی العزیزیه، ۳۱۳/۳

^{۴۹} فیض کاشانی، الوافی، ۶۸۵/۲۲

^{۵۰} طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ۴۶۸

^{۵۱} طرابلسی، المهذب، ۱۹۶/۲

^{۵۲} حلی [فاضل مقداد]، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ۱۲/۳

^{۵۳} سبزواری، کفایة الأحکام، ۹۱/۲

^{۵۴} فیض کاشانی، مفاتیح الشرائع، ۲۶۰/۲

^{۵۵} بحرانی، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۱۷۴/۲۳ و ۱۷۵

^{۵۶} انصاری، کتاب النکاح، ۸۹

^{۵۷} نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۱۴۴/۲۹

^{۵۸} یزدی، العروة الوثقی، ۸۵۴/۲

^{۵۹} نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۱۴۵/۲۹

هذیان گفتن و مانند آن رسیده باشد، نیست بلکه مراد شخص مستی است که هنوز عقل او به کلی زایل نگشته است.^{۶۰} مرحوم مجلسی نیز در کتاب روضة المتقین مراد از مستی در این روایت را مستی نهایی نمی‌داند و آن را در حدودی می‌داند که عقل فرد زائل نشده است و شخص در ابتدای مستی (مرحله نشو) است.^{۶۱} این دیدگاه در میان فقهای معاصر نیز طرفدارانی دارد. آیت الله جوادی آملی روایت را صحیح و به مقتضای آن حکم می‌کنند. به عقیده ایشان روایت مذکور باید حمل شود به جایی که سُکر شخص سُکر مستوعب نیست بلکه به گونه‌ای است که عقد سرگردان است و فقط رضایت ندارد؛ نه اینکه حمل شود به جایی که شخصی غیرعقل عقد بخواند و نفهمد چه می‌گوید. عقد موضوع روایت عقده است که عاقد معنا را می‌داند، اراده استعمالی دارد، اراده جدی دارد، انشا دارد و فقط تنجیز در کار نیست؛ نظیر عقد مکره است.^{۶۲} آیت الله شبیری زنجانی نیز موضوع روایت را حالتی غیر از مستی در حد هذیان و یا نشو می‌داند و مسئله را از این دو صورت منصرف می‌داند. به عقیده ایشان اگر سکر خفیف باشد عقد صحت تأهلی دارد و با امضای لاحق تصحیح می‌شود. اگر سکر به حد هذیان برسد عقد صحت تأهلی هم ندارد همانطور که اگر کسی در خواب، عقدی را جاری کند این عقد صحت تأهلی برای امضای لاحق ندارد. نتیجه اینکه، روایت ناظر به فرض سکر و حالت متوسط بین حالت نشو و حالت هذیان است.^{۶۳} بنابراین، باید قائل بر این بود که معاملات شخص مست در مرتبه مورد بحث دارای صحت تأهلی است. در صحت تاهلی معامله باطل نیست اما اهلیت و امکان صحیح شدن را خواهد داشت.^{۶۴} به بیان دیگر، با توجه به اینکه شخص مست در مرتبه مورد بحث در وضعیت ناهشیار نسبی قرار دارد، می‌توان چنین معاملاتی را غیرنافذ و منوط به تنفیذ شخصی دانست که هشیاری کامل در زمان معامله نداشته است. ممکن است عدم کمال هشیاری در فرد باعث شود که در زمان انعقاد معامله تمام جوانب معامله را نسنجد و به اصطلاح سفیهانه معامله را منعقد کند و یا به واسطه حالاتی که بر وی عارض شده است مرحله سنجش را در سیر روانی به سوی معامله به خوبی طی نکرده باشد. لذا لازم است معامله را برای حفظ حقوق فرد ناهشیار دارای صحت تاهلی بدانیم و صحت فعلی را بر آن جاری ندانیم.

در حقوق و رویه قضایی کشور انگلستان هم اثری از این برداشت دیده می‌شود؛ به این صورت که معاملات فرد مست را برای وی الزام آور نمی‌دانند و بعد از افاقه حق ابطال معامله را برای وی در نظر می‌گیرند. امکان رد این معامله بیشتر ناظر به موردی است که فرد طرف معامله از مست بودن فرد ذی نفع بوده و در مستی و بی تعادلی حتی اندک طرف معامله یا

^{۶۰} حلی، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، ۱۳۱/۷

^{۶۱} مجلسی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ۲۳۰/۸

^{۶۲} البته دیدگاه علامه مجلسی از جهت حمل روایت به مرتبه نخست مستی (مرتبه نشو) محل نقد است؛ زیرا در مرتبه نخست مستی شخص هم دارای قصد است و هم دارای رضا و دلیلی بر لازم دانستن رضای بعدی برای صحت آن نیست.

^{۶۳} جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴)، درس خارج فقه، مدرسه فقهات،

<https://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/javadi/feqh/94/941113/%3D%22%D8%AF%D8%B1%20%D8%AD%D8%A7%D9%84>

(۱۴۰۱/۰۸/۰۶)، %20%D9%85%D8%B3%D8%AA%DB%8C%22

^{۶۴} شبیری زنجانی، کتاب نکاح، ۴۶۸/۱۰

^{۶۵} کریمی، صمدی، «سامان‌دهی نظریه صحت تأهلی»، ۱۵۵

نقش داشته و یا اگر نقش نداشته از این امر سوءاستفاده خود را کرده است و فرد را به نوعی دچار اکراه کرده است. در حقوق این کشور قرارداد منعقد در این وضعیت برای فرد الزام آور نیست و میتواند ابطال قرارداد را مطالبه کند. همچنین است هنگامی که طرف معامله با آگاهی از وضعیت او حاضر به معامله با وی شده است.⁶⁶ به عبارت دیگر، هرچند در حقوق این کشور معاملات اشخاصی مانند بیماران روانی، معلولین ذهنی و اشخاصی که بسیار مست کرده‌اند باطل است اما در جایی که فرد تحت تاثیر مصرف مواد و نوشیدنی های الکلی قرار گرفته (اما مست مست نیست) قرارداد را قابل ابطال می‌داند؛ آن را برای فرد الزام آور نمی‌داند و فرد در زمان افاقه حق دارد آن را رد کند. البته در رویه انگلستان معامله را بیشتر در زمانی قابل رد میدانند که طرف معامله از مستی فرد آگاه بوده یا اینکه از آن سوءاستفاده کرده است؛ در غیر این صورت متعرض معامله نمی‌شوند مگر این که در این حالت قرارداد ناعادلانه بسته شود مانند موردی که فرد به صورت رایگان از دارایی خود به طرف مقابل بخشیده باشد.⁶⁷

رایبی نیز در این خصوص از دادگاه انگلستان صادر شده که در تایید معامله بعد از مستی و تنفیذ یا رد آن در این باره قابل توجه می‌باشد. در رویه قضایی انگلستان در این زمینه اختلاف وجود داشته که آیا معاملات فرد مست همیشه باطل است یا قابل فسخ و ابطال نیز می‌تواند باشد؟ در یکی از آرای صادره در دعوی بین *matthews v. Baxter*، دادگاه به این نتیجه میرسد که معامله قابل ابطال است و لزوماً باطل نیست. در این پرونده باکستر در حال مستی از حراجی مالی را می‌خرد و پس از هوشیاری معامله را تایید میکند اما سپس پشیمان شده و خواهان رد آن است. دادگاه در این باره حکم میدهد که با توجه به این که پس از برگشتن حالت عادی شخص معامله را تنفیذ کرده است دیگر نمی‌تواند ابطال آن را بخواهد. بنابراین در حقوق انگلستان نیز برای مراتبی از مستی این امر پذیرفته شده است که زمانی که فرد هشیار می‌شود می‌تواند معامله سابق خود در حال مستی را تصویب یا رد کند.⁶⁸

نتیجه

از نظر پزشکی مستی دارای مراتبی است که دو وضعیت صحت و بطلان نمی‌تواند معاملات واقع شده در همه آن مراتب را پوشش دهد و باید وضعیت حقوقی عدم نفوذ را نیز در خصوص برخی معاملات شخص مست پذیرفت؛ به این نحو که هر گاه مستی باعث زوال قصد و رضای فرد شود معامله وی باطل است. هر گاه مستی به هیچ یک از قصد و رضا خلل وارد نکند معامله شخص صحیح است و هر گاه شخص مست دارای قصد باشد اما رضای وی به علت شرایط هیجانی حاکم

⁶⁶ Duru, An Analysis of the Assertion that 'The Drunken Person is Classified Under the Law with Other Categories of Persons as Not Having the Capacity to Contract, 30

⁶⁷ Teacher, Law (November 2013), Power Provided Under Law to Natural Person, Retrieved from <https://www.lawteacher.net/free-law-essays/contract-law/power-provided-under-law-to-natural-person-contract-law-essay.php?vref=1>.

⁶⁸ Cook, W. G. H, Mental Deficiency and the English Law of Contract, 12

بر او مخدوش باشد، معامله وی غیرنافذ خواهد بود. در این مرتبه، معاملات شخص مست شبیه با معاملات شخص مکروه یا سفیه است و چون شخص قصد دارد اما نمی‌تواند مصلحت خود را به خوبی لحاظ کند، معاملاتش دارای صحت تأهلی است و می‌تواند پس از رفع اثرات مستی، معامله منعقدشده را تنفیذ یا رد نماید.

منابع فارسی

امامی، حسن. حقوق مدنی. جلد چهارم. تهران: انتشارات اسلامیة. بی تا

جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۴. درس خارج فقه. مدرسه فقهات.

<https://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/javadi/feqh/94/941113/%3D%22%D8%AF%D8%B>

<https://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/javadi/feqh/94/941113/%3D%22%D8%AD%D8%A7%D9%84%20%D9%85%D8%B3%D8%AA%DB%8C%22>

۱۳۹۴. ۱۴۰۱/۰۸/۰۶

شهیدی، مهدی. حقوق مدنی؛ تشکیل قراردادها و تعهدات. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات مجد. ۱۳۹۸

شهیدی، مهدی ۱۳۹۷. حقوق مدنی ۳ تعهدات. چاپ بیست و دوم. تهران: مجد.

علی آبادی، علی. «قصد و رضا و تاثیر آن دو در تحقق عقد». نشریه مقالات و بررسیها. دوره ۷۱. ۱۳۸۱

قایدامینی اسدآبادی، مصطفی. «بررسی تطبیقی اثر جنون. صغر و مستی بر قرارداد در حقوق ایران و انگلیس». پایان نامه.

موسسه آموزش عالی غیر دولتی غیر انتفاعی کار - دانشکده ادبیات و علوم انسانی. ۱۳۹۰

قنوتی، جلیل. «رابطه قصد و رضا در اعمال حقوقی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی ره». روش شناسی علوم انسانی. شماره

۱۳۷۸. ۲۰. ۸۵ - ۱۰۵

کاتوزیان، ناصر. قواعد عمومی قراردادها. جلد دوم. چاپ چهارم. تهران: انتشارات گنج دانش. ۱۳۹۹

کریمی، عباس. افروز صمدی. «سامان‌دهی نظریه صحت تأهلی». فقه و مبانی حقوق اسلامی. دوره ۵۱. شماره ۱. ۱۳۹۷.

۱۶۸-۱۵۵

فتحی، مرتضی. عادل ساریخانی، رضا رضایی. «تأثیر مستی بر مسئولیت کیفری در حقوق کیفری ایران. اسکاتلند و فقه

اسلامی». پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب. دوره ۸. شماره ۱. ۱۴۰۰. ۷۹-۱۰۶

عربی

- احسای، محمد بن علی. عوالي اللئالی العزیزة. جلد سوم. چاپ نخست. قم: دار سید الشهداء للنشر. ۱۴۰۵ق
- اصفهانى فاضل هندی، محمد بن حسن. كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. جلد هفتم. چاپ نخست. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۱۶ق
- انصاری، مرتضی. کتاب النکاح. چاپ نخست. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری. ۱۴۱۵ق
- بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد. الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة. جلد بیست و سوم. چاپ نخست. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۰۵ق
- حر عاملی، محمد بن حسن. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. جلد بیستم. چاپ نخست. قم: مؤسسه آل البیت. ۱۴۰۹ق
- ابن ادريس حلّی، محمد بن منصور. السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى. جلد دوم. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۱۰ق
- علامه حلّی، حسن بن یوسف. تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية. جلد دوم. چاپ نخست. قم: مؤسسه امام صادق. ۱۴۲۰ق
- علامه حلّی، حسن بن یوسف. مختلف الشیعة في أحكام الشریعة. جلد هفتم. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۴۱۳ق
- فاضل مقداد حلّی، جمال الدین مقداد. التنقيح الرائع لمختصر الشرائع. جلد سوم. چاپ نخست. قم: انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفیه. ۱۴۰۴ق
- محقق حلّی، نجم الدین جعفر. «شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام». جلد دوم. چاپ دوم. قم: مؤسسه اسماعیلیان. ۱۴۰۸ق
- سبزواری، محمد باقر. كفاية الأحكام. جلد دوم. چاپ نخست. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۲۳ق
- سيفی مازندرانی، علی اکبر. دليل تحرير الوسيلة - الوصية. چاپ نخست. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره. بی تا

- شبيرى زنجانى، سيد موسى. كتاب نكاح. جلد دهم. چاپ نخست. قم: مؤسسه پژوهشى راي پرداز. ۱۴۱۹ق
- شوشترى، شيخ نور الله. مقياس الانوار. چاپ سنگى. بى تا
- صيمرى، مفلح بن حسن. غاية المرام في شرح شرائع الإسلام. جلد سوم. چاپ نخست. بيروت: دار الهادي. ۱۴۲۰ق
- طرابلسى ابن براج، عبد العزيز. المهذب. جلد دوم. چاپ نخست. قم: دفتر انتشارات اسلامى. ۱۴۰۶ق
- طوسى، محمد بن حسن. تهذيب الأحكام. جلد هفتم. چاپ چهارم. تهران: دار الكتب الإسلامية. ۱۴۰۷ق
- طوسى، محمد بن حسن. النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى. چاپ دوم. بيروت: دار الكتاب العربي. ۱۴۰۰ق
- عاملى شهيد ثانى، زين الدين بن على. الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية المحشّى كلاتر. جلد پنجم. چاپ نخست. قم: كتابفروشى داورى. ۱۴۱۰ق
- عاملى شهيد ثانى، زين الدين بن على. مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. جلد سوم. چاپ نخست. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية. ۱۴۱۳ق
- عاملى شهيد اول، محمد بن مكى. اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية. چاپ نخست. بيروت: دار التراث - الدار الإسلامية. ۱۴۱۰ق
- عاملى كركى محقق ثانى، على بن حسين. جامع المقاصد في شرح القواعد. جلد دوازدهم. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل البيت. ۱۴۱۴ق
- فيض كاشانى، محمد محسن. مفاتيح الشرائع. جلد دوم. چاپ نخست. قم: انتشارات كتابخانه آية الله مرعشى نجفیه. بى تا
- فيض كاشانى، محمد محسن. الوافي. جلد بيست و دوم. چاپ نخست. اصفهان: كتابخانه امام اميرالمؤمنين علي ع. ۱۴۰۶ق
- مجلسى، محمد تقى. «روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه». جلد هشتم. چاپ دوم. قم: مؤسسه فرهنگى اسلامى كوشانپور. ۱۴۰۶ق
- نجفى صاحب جواهر، محمد حسن. جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام. جلد بيست و نهم. چاپ هفتم. بيروت: دار إحياء التراث العربي. ۱۴۰۴ق

نورى محدث، ميرزا حسين. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. جلد چهاردهم. چاپ نخست. بيروت: مؤسسه آل البيت. ١٤٠٨ق

يزدى، سيد محمد كاظم. العروة الوثقى. جلد دوم. چاپ دوم. بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات. ١٤٠٩ق

انگليسى

Cook, W. G. H. "Mental Deficiency and the English Law of Contract." *Colum. L. Rev.* 21 1921: 424.

Duru, Onyekachi. "An Analysis of the Assertion that 'The Drunken Person is Classified Under the Law with Other Categories of Persons as Not Having the Capacity to Contract'." *Available at SSRN 2154673* 2012. Dickson, Everard. "The Medico-Legal Aspects of Drunkenness— I." *Medicao-Legal and Criminological Review* 3, no. 4 1935

Nicholls, A. G. "A Dissertation on Drunkenness." *Canadian Medical Association Journal* 18, no. 6 1928

Robb-Dover, Kristina 2020, The Four Levels of Being Drunk, available at: <<https://fherehab.com/news/the-4-levels-of-being-drunk>> last visited on 23/11/2022

Teacher, Law November 2013, Power Provided Under Law to Natural Person, Retrieved from <https://www.lawteacher.net/free-law-essays/contract-law/power-provided-under-law-to-natural-person-contract-law-essay.php?vref=1>.

Wallerstein, Shlomit. "A drunken consent is still consent'—or Is It? A Critical Analysis of the Law on a Drunken Consent to Sex Following Bree." *The Journal of Criminal Law* 73, no. 4 2009